

سنجش میزان حریمت خانه‌ها در راستای سبک زندگی اسلامی-ایرانی (مطالعه موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد)

حسن حکمت‌نیا* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام‌نور

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۸ تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

چکیده

پژوهش کاربردی و توصیفی-تحلیلی حاضر به منظور سنجش میزان حریمت در خانه‌های بافت قدیم و جدید شهر یزد و مقایسه تطبیقی آن‌ها صورت گرفته است تا راهبردهایی برای حرکت به سوی الگوی زندگی اسلامی در مناطق شهری را تدوین کند. شاخص‌های این پژوهش فرم‌های خانه‌ها در بافت‌های قدیم و جدید است. پانزده فرم خانه براساس نمونه‌گیری تصادفی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارتباط میان متغیرها از آزمون‌های آمار استنباطی مانند ضریب رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد در بیشتر خانه‌های بافت‌های قدیم شهر یزد، تمام اصول حریمت مدنظر قرار گرفته است؛ به طوری که فضاهای عمده خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی قابل‌وضوح است، اما این اصول در محله‌های جدید و متأثر از الگوهای مسکونی بیگانگان به طور کامل از بین رفته است؛ به طوری که در این خانه‌ها، فضایی نیمه خصوصی که از معماری برون‌گرا تأثیر پذیرفته باشد وجود ندارد. نتایج ضریب رگرسیون نشان‌دهنده هم بستگی مستقیم و قوی میان الگوهای خانه‌های جدید و رعایت حریمت خانه‌هاست؛ یعنی بی‌توجهی به اصول مسکن اسلامی در بافت‌های جدید شهر یزد، سبب شده است تا حریمت بصری، صوتی، دسترسی، بویایی و تعاملات اجتماعی واحدهای مسکونی به شدت در الگوهای خانه‌های جدید فراموش شود. براین اساس ضمانت اجرایی در به کارگیری اصل حریمت در ساخت و سازهای جدید، توجه به سلسله‌مراتب فضایی ورودی‌های خانه‌ها و افزایش سرانه فضاهای درونی خانه‌ها در بافت‌های جدید مهم‌ترین راهبردهای در این زمینه به شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، سلسله‌مراتب فضایی، شهرهای اسلامی، شهر یزد، حریمت.

مقدمه

انعکاس روش‌های زندگی هر جامعه‌ای در کالبد آن نمود می‌یابد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱). «در بیشتر تفکرات اندیشمندان درباره شهرها به‌عنوان عالی‌ترین تمدن بشری، انسان، کالبد و رفتار در ایجاد فضای کالبدی شهر نقش اساسی داشتند» (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). «اما شهرهای اسلامی با تکیه بر شکل و الگوی فرهنگی جدید، ویژگی‌هایی دارند که بیان‌کننده تفاوت ماهوی آن با شهرهای غربی در زمینه‌های کالبدی و اجتماعی است» (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۲). «در این شهرها، سه عنصر جهان‌بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی، و عمل و ارتباط اسلامی با عالم بیشترین نقش را در شکل‌گیری شهرها دارند» (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). تفسیر توحیدی برآمده از «جهان‌بینی توحیدی در کنار نمادهای آیینی و شعایر دینی می‌تواند مجموعه پیروان یک دین را به‌صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یاری رساند و منجر به شکل‌گیری سبک زندگی دینی و اسلامی گردد» (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۴)؛ به‌گونه‌ای که برمبنای این جهان‌بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی ترسیم شود و به شکل‌گیری شهر اخلاقی و سبک زندگی اسلامی بینجامد؛ بنابراین اخلاق و رفتار اسلامی ارتباط مستقیمی با رفتار محیطی و فرهنگ رفتاری دارند (Altman et al., 1981: 107-157)؛ به‌طوری‌که که رابطه فرهنگ و محیط در خلق عناصر شهری تأثیرگذار است. یکی از این تأثیرات به‌وضوح در طراحی‌های مسکن‌ها مشاهده می‌شود. باید توجه داشت که جوامع کنونی، با فرهنگ‌ها، محیط‌ها، باورهای دینی، اجتماعی و اقتصادی و رفتارهای زیست‌محیطی گوناگونی همراه هستند که هریک از آن‌ها بر الگوهای مسکن تأثیرگذار هستند (Rapoport, 2007: 16-39)؛ به‌طوری‌که از یک سو بیان‌کننده هویت فرهنگی آن جوامع (Gharai and Rafieian, 2013) و از سوی دیگر نشان‌دهنده رفتار انسان در آن فضا و استفاده از این فضاها هستند (Razali and Talib, 2013: 644). بررسی الگوهای مسکن‌ها در بافت سنتی شهرها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند حریمیت صوتی، حریمیت بصری، اتاق‌های ویژه مهمان، طراحی‌های مناسب فضاهای درون خانه‌ها و... برای آسایش ساکنان مدنظر بوده‌اند. این مؤلفه‌ها مانند «حفظ حریم و شأنیت مسلمانان از نظر سن و جنس و غیره موجب گردیده است تا مسلمانان خانه‌های خود را ذیل توجه به این باور دینی بسازند و این در ساخت منازل مسکونی و اماکن عمومی، به‌نوعی تقسیم‌بندی فضاها از نظر عملکرد منجر شده که در معماری، سلسله‌مراتب فضایی نام گرفته است. به عبارت دیگر فضاهای مسکونی مسلمانان اگرچه با تکیه بر مهندسی و رعایت اصول معمارانه و تحت تأثیر عوامل مؤثر شکل یافته است، اما گاه در ساخت آن‌ها عناصر و اجزایی با شیوه‌هایی تعبیه گردیده که می‌تواند مبین نگاهی فراتر از حدود معمول میان افراد و متضمن ایجاد حریمی قدسی باشد» (نیری فلاح و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

امروزه عناصری از قبیل رشد شهرنشینی، صنعتی‌شدن جوامع شهری و گسترش آپارتمان‌نشینی، جوامع را از اعتقادات و آداب و سنن دور کرده و تمایل به زندگی امروزی و استفاده از رفاه و ارزش‌های مادی را به ارزش اجتماعی تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که رشد تجملات و تزئینات در سیمای شهر و خانه‌ها بیش‌ازپیش نمایان شده است. در نتیجه جوامع از پایبندی به اصول الگوهای مسکن‌های بافت‌های سنتی شهرها (فضای حریمیت، عدم اشرافیت خانه‌ها و...) دور شده‌اند؛ از این‌رو بررسی بافت سنتی و جدید شهر یزد نشان می‌دهد در اغلب خانه‌هایی با بافت سنتی، عناصری مانند نمای بیرونی (همه ساختمان در ارتفاعی یکسان)، ورودی خانه، هشتی و دالان‌های ورودی حیاط خانه وجود دارد که

نشان‌دهنده فضای حریمت، درون‌گرایی و دیگر مؤلفه‌هاست که با زندگی به سبک اسلامی در شهر اسلامی مطابقت دارد. در مقابل، در بافت‌های جدید و متأثر از مدرنیسم، اغلب به این مؤلفه‌ها توجه چندانی نشده و نتیجه آن چیزی جز افزایش مسائل و مشکلات زندگی شهرنشینی در زمینه‌های روابط همسایگی نبوده است. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که حریمت واحدهای مسکونی در بافت‌های جدید و قدیم براساس چه مؤلفه‌هایی سنجیده می‌شود؟ بدین منظور هدف از پژوهش حاضر، تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حریمت در بافت‌های مسکونی قدیم و جدید شهر یزد و مقایسه تطبیقی آن‌هاست تا راهبردهایی برای حرکت به سوی سبک زندگی اسلامی در مناطق شهری تدوین شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

«شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشئت‌گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند» (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۲). به عبارت دیگر، شهر اسلامی به دنبال انتظام و تعادل میان مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده جامعه شهری و ایجاد توازن و هماهنگی در عموم ساختارها، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های افراد و سامانه‌های شهری است تا در سایه تعالیم آسمانی، آرامش و آسایش توأم با تسخیر طبیعت، بهترین شهروندان را در زیستگاهی آباد و خدامحور تربیت کند؛ بنابراین «در روند پیدایش شهر اسلامی دو نیرو نقش اساسی ایفا می‌کنند: اول شعار برابری اجتماعی اسلام است که مهم‌ترین بنیاد سازمان فضایی شهر ساسانی را که مبتنی بر جامعه کاستی بود، در هم ریخت و دیگر سنت پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) در اهمیت بخشیدن به شهر بود که آن را برای ساخت جامعه اسلامی ضروری می‌دانستند و بدین ترتیب به شکل‌گیری مکتب نوینی از شهر اسلامی-ایرانی منجر گردید» (منصوری، ۱۳۹۲: ۵۳). «در این مکتب، در بخش کالبدی، به چگونگی طراحی‌های فیزیکی بسیار تأکید شده است. بخش عظیمی از این طراحی‌ها در بخش مسکن است. از آنجا که مسکن فضایی است که فراهم‌آورنده آرامش و آسایش برای ساکن خویش است» (صالحی و فارغی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) باید به گونه‌ای طراحی شود که مسائلی مانند فضاهای حریمت مدنظر قرار بگیرند. از دیدگاه اسلام، حریمت و حریم یعنی جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و تفکیک زنان و مردان نامحرم است که با هدف تأمین امنیت خانواده صورت می‌گیرد. این مقوله در آیات و احادیث بسیاری نیز مدنظر قرار گرفته است. خداوند در آیه ۸۰ سوره نحل می‌فرماید: «اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ...» ما مسکن را محلی برای آرامش انسان قرار دادیم.

آرامش واحدهای مسکونی به مؤلفه‌های بسیاری وابسته است؛ از جمله فضای داخلی که حریم خصوصی خانواده‌ها محسوب می‌شود. در اسلام نیز بر آرامش مسکن تأکید شده است. رسول اکرم (ص) در خصائل صدوق (کمره‌ای، ۱۳۷۷: ۱۷۹) فرموده‌اند: سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش‌رفتار (گلی زواره، ۱۳۸۳: ۳۶). همچنین رعایت حریم خصوصی خانواده‌ها (سرزده وارد خانه کسی نشدن و...) مشاهده فضای داخلی خانه از ساختمان‌های اطراف و... از دیگر مقوله‌های مؤکد در اسلام است. «از دیدگاه کلام وحی، خانه محل آسایش است و باید آرامش اهل آن حفظ گردد. چه بسا وضع خانه‌ای به نحوی است که صاحبش دوست ندارد کسی آن اوضاع را مشاهده کند و یا آنکه خسته و بیمار بوده و آمادگی پذیرش کسی را ندارد. چه بسا نگاه کردن به حیاط خانه همسایه سبب شود که نگاه فوری به چهره‌ای یا اندامی یا صحنه‌ای افکنده شود که بر اثر آن هوس و شهوات بیدار شوند

و دام فتنه و گناه را شیطان بگستراند» (همان: ۳۶). در آیات و احادیث زیادی به این مقوله پرداخته شده است. در آیه ۲۷ سوره نور آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است. باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید.

«محققان در جهت رعایت اصول محرمیت و حریم شخصی افراد مختلف، الگوی تقسیم فضایی مسکن را به‌گونه‌ای یک الگوی کلی در قالب چهار عرصه عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی مطرح و تأیید کرده‌اند. عرصه‌های این دسته‌بندی چهارگانه مذکور به‌عنوان پایه سیستم فضایی خانه برای تأمین اصول محرمیت و حریم شخصی، به این شرح است: عرصه عمومی، حوزه دوستان، همکاران، بستگان دور و همسایگان و به‌طور کلی افراد نامحرم است» (نیری فلاح و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

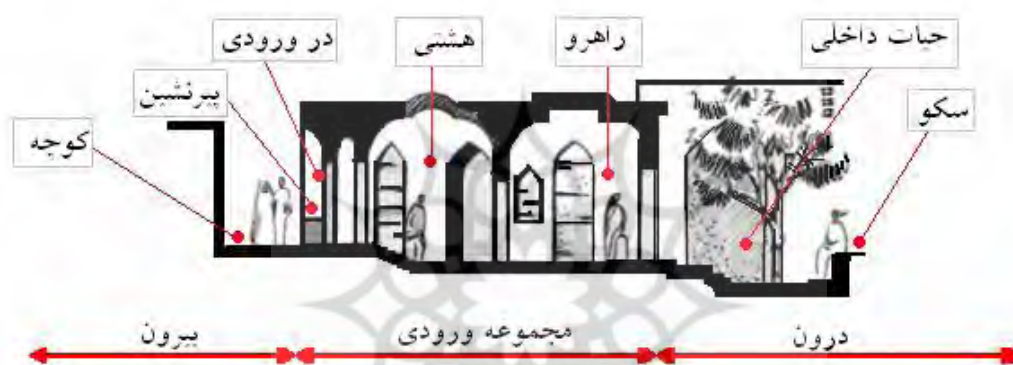
بنابراین محرمیت از مسائل حساسیت‌زا برای خانواده‌هاست که اگرچه در احادیث هم از آن نهی شده است - هرچند حکم آن با قاعده لاضرر و ماده ۱۳۲ قانون مدنی روشن است - قانون‌گذار بار دیگر حکم آن را در ماده ۱۳۳ قانون مدنی به‌صورت ویژه بیان می‌کند: «کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند. اگرچه دیوار ملک مختص او باشد، لیکن می‌تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلوی روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود».

در مستدرک الوسائل (ج ۸: ۴۲۷). درباره مسئله محرمیت آمده است: لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ بِنَاءٌ سَكَنَهُ فَيُؤَدِّيهِ بِإِشْرَافِهِ عَلَيْهِ وَ سَدَّهُ مَنَافِذَ الرِّيحِ عَنَّهُ: ساختمان‌های خود را مرتفع‌تر از ساختمان‌های اطراف نسازید؛ به‌گونه‌ای که جلوی نور و باد برای همسایه‌ها را بگیرد و محرمیت همسایه‌ها را به خطر اندازد.

رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند» (نهج‌الفصاحه: ۲۹۱؛ گلی زواره، ۱۳۸۳: ۳۶). امام صادق (ع) درباره محرمیت خانه‌ها سخنی حکیمانه فرموده‌اند که مؤمن در سه چیز آسوده است؛ که یکی از آن‌ها خانه موسعی است که از نادیدنی‌های او پرده‌پوشی کند و حالات ناروا را از دید مردم بپوشاند (اصول کافی، ج ۵: ۳۲۷، روایت ۶). امام باقر (ع) نیز درباره سرک کشیدن به خانه همسایه می‌فرمایند: کسی که به خانه مسلمانی سرک کشد، درآوردن چشمانش بر آن مسلمان مباح خواهد بود (حسینی دشتی، ۱۳۷۷: ۱۵۳). آنچه بیان شد، مقوله‌هایی بود که جامعه کنونی با آن مواجه است. براساس فتوای امام خمینی، دیدزدن خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحب‌خانه حق دارد سنگ یا چیزی به‌سوی نگاه‌کننده پرتاب کند و ضمنی هم بر او نیست، حتی اگر به درون خانه‌هایی دور با ابزاری (مثل دوربین قوی) بنگرد، مثل آن است که از نزدیک نگاه می‌نماید (تحریرالوسیله، ج ۱؛ موسوی همدانی، ۱۳۶۶: ۴۹۳).

بنابراین یکی از مهم‌ترین ارکان طراحی و شهرسازی رعایت حریم خصوصی است که براساس اصول اساسی اسلام به‌رسمیت شناخته می‌شود. «اما در پارادایم فرهنگی لیبرالیسم، خانه و اهالی یک خانه، اعتقادی به نگاه حرام ندارند؛ چون حرامی را بر نمی‌تابند و همه چیز نزدشان مباح است؛ پس دلیلی برای پوشاندن خود از نامحرم نمی‌بینند. خانه هم دلیلی

ندارد که آن قدر پوشیده باشد؛ پس پنجره‌های مدرن آن گونه که لوکوربوزیه در مانیفست معماری مدرن مطرح کرد و در ویلا ساوای خود طراحی و اجرا نمود، پنجره‌های عریض و کشیده‌ای است که شاید بیرون را بتوان بهتر دید، اما درون خانه را هم راحت‌تر از قبل می‌شود تماشا کرد، آن سان که گویا پنجره همسایه پرده سینماست؛ غافل از آنکه پنجره خانه برای دیدن بیرون است نه تماشای درون. در لیبرال نیز معماری خانه‌ها برای اهل خانه حریمی ایجاد نمی‌کند و دیگر خانه‌ها به آن مشرف هستند و همه چیز عریان است، اما معماری اسلامی-ایرانی همچون گنجینه‌ای است که قاطبه مشکلاتی را که امروزه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم را با مبانی نظری اسلامی حل نموده است و با رعایت اصولی همچون حریم و حدود و اصل سلسله‌مراتب، سایه آسایش را برای اهل خانه گسترده است» (ارجمندی، ۱۳۹۱: ۲۸). در چنین معماری‌ای به‌ویژه در بافت‌های سنتی، ورودی مسکن‌ها سلسله‌مراتب خاصی دارد که برای حفظ حریم به‌وجود آمده‌اند (شکل ۱).



شکل ۱. سلسله‌مراتب مجموعه ورودی در خانه‌های سنتی

منبع: نیری فلاح و همکاران، ۱۳۹۳: ۴

اسماعیلی مقدم (۱۳۹۳) با بررسی حضور نور طبیعی و حریمیت فضاهای داخلی خانه‌های درون‌گرای شهر یزد نتیجه گرفت که معماران خانه‌های مسکونی این شهر با تسخیر نور و هدایت آن از راه‌های گوناگون به داخل بنا، محیط خارج و داخل را به هم پیوند می‌دهند و با وجود استفاده از نورگیر و پنجره، پوشیدگی و حرمت ساختمان را نیز حفظ می‌کنند.

ارژمند و خانی (۱۳۹۱) با بررسی نقش خلوت در معماری خانه ایرانی نتیجه گرفتند خانه مسکونی نخستین فضایی است که فرد در آن با احساس تعلق فضایی مواجه می‌شود و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرد. باید توجه داشت که طراحی کالبدی مناسب فضاهای داخلی هر مسکن ایرانی و ارتباطات فضایی مناسب این مسکن با مسکن‌های هم‌جوار، بر افزایش تعاملات میان ساکنان اثری مطلوب دارد.

نیری فلاح و همکاران (۱۳۹۳) با مطالعه «لایه‌های حریمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده» نتیجه گرفتند که حریمیت در لایه‌های گوناگون برای حفظ استقلال افراد، فضاها و تأمین آسایش روحی و جسمی اعضای خانواده طراحی شده است که کاملاً با منابع اسلامی مطابقت دارد.

رازالی و تالیب (۲۰۱۳) در مطالعه «مؤلفه‌هایی از حریمیت در خانه‌های سنتی مسلمانان شهر مالاکا» دریافتند که رعایت میزان حریمیت در الگوهای مسکونی ساکنان این شهر، با رفتار محیطی و فرهنگ رفتاری آن‌ها مرتبط است.

بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)» به این نکته اشاره می‌کنند که بعد ارزش‌ها و هنجارهای ملی در معماری به‌کمک تزئینات، استفاده از نمادها، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی و بعد میراث فرهنگی در معماری با استفاده از تزئینات و تکرار الگوهای گذشته نمود می‌یابد.

بلخاری (۱۳۸۴) در مطالعه «زیر سایه معنا؛ هویت مفهومی و معنوی شهر اسلامی» معتقد است در شهر اسلامی، فرم به‌تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا می‌گیرد. این امر متأثر از بنیان‌های نظری هنری و معماری اسلامی است که نسبت قالب و محتوا مانند نسبت روح و کالبد در بنیان‌های جهان‌شناختی اسلامی است.

به‌عقیده شکرانی (۱۳۸۷) در بررسی «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی» در شهرسازی اسلامی باید اصول و مبانی مورد نظر از قرآن و روایات صحیح استخراج شود، نه از اقوال دانشمندان مسلمان که مسند قرآنی و روایی ندارد.

ضرابی و همکاران (۱۳۸۷) در «بررسی تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران» نتیجه گرفتند که در شهرهای اسلامی-ایرانی، تفکر حاکمان زمانه و ایدئولوژی ناشی از آن، عاملی مهم در ایجاد این تمایزات است. علاوه‌براین، توسعه اقتصادی و ویژگی اجتماعی شهرها نیز در تمایزات ساختاری-کالبدی این‌گونه شهرها اهمیت داشته و دارد. اگرچه در دوران جدید، روند تفکرات مدرن و مدرن‌شدن آثار ملی کم‌رنگ‌تر شده است، هنوز عاملی مهم در این زمینه محسوب می‌شود.

عماد و سنایی‌راد (۱۳۸۷) با مطالعه مؤلفه‌های شهر اسلامی نتیجه گرفتند که شهر به‌عنوان پدیده‌ای دارای حیات در فرض وجود شاخصه‌های معین، سازه‌ای انسانی است که قابلیت تحقق مناسبات و کنش‌های انسانی و اخلاقی و تحقق مدنیت شاخص‌مند شهری را دارد؛ از این‌رو زیستگاهی مناسب و آرمانی انسان برای رشد و تعالی ملکات و ارزش‌های اخلاقی دینی به‌شمار می‌آید.

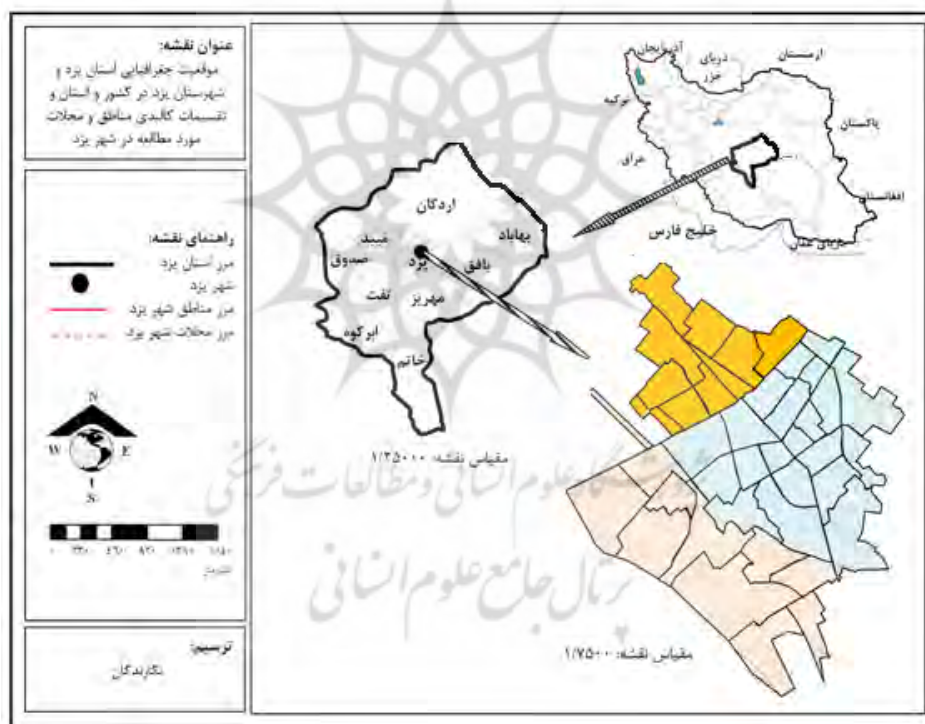
روش پژوهش

در پژوهش کاربردی و توصیفی-تحلیلی حاضر، از روش کیفی تفسیرگرا استفاده شد. همچنین به‌منظور گردآوری اطلاعات و بررسی میزان محرمیت در مسکن‌های بافت قدیم و جدید، شاخص‌های سلسله‌مراتب فضایی و فرم‌های مسکن‌ها در قالب ۹ مؤلفه به‌کار رفت که به‌کمک پرسشنامه به‌دست آمدند. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای ساکن در محله‌های بافت قدیم و جدید شهر یزد هستند. حجم نمونه نیز به‌کمک روش تصادفی برای دو محله ۱۵ خانوار است. شاخص‌های پژوهش عبارت‌اند از: حذف اندرونی و بیرونی، افزایش گشودگی به بیرون، توجه به روح دینی و مذهبی، زندگی آپارتمانی و فردی‌شدن خانه، رعایت‌نکردن ۶۰ درصد زیرساخت و ۴۰ درصد حیاط، اختصاص حیاط برای فضای پارکینگ و انباری، الگوبرداری از ساختمان‌سازی غربی، اولویت‌داشتن بحث اقتصاد بر امنیت روانی، توجه به زیبایی ساختمان‌ها، ساخت‌وساز خانه‌های بلندمرتبه بدون ضابطه و روابط همسایگی.

داده‌ها نیز به کمک آزمون‌های آمار استنباطی مانند ضریب رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شد تا ارزیابی میزان، دلایل محرمیت واحدهای مسکونی، میزان برخورداری محله‌ها از فضاهای محرمیت و ارتباط میان متغیرها مشخص شود.

محدوده مورد مطالعه

براساس تقسیمات شهرداری، شهر یزد با مساحتی بالغ بر $10133/30$ هکتار به ۳ منطقه، ۹ ناحیه و ۴۲ محله تقسیم شده است. از این میان، مساحت منطقه ۱ در شمال، $1982/73$ هکتار است و این منطقه ۲ ناحیه و ۱۰ محله دارد. جمعیت آن نیز 80.763 نفر و تراکم جمعیتی‌اش ۴۱ نفر در هکتار است. منطقه ۲ در قسمت‌های شرقی و مرکز محدوده شهر قرار دارد که مساحت آن $4238/51$ هکتار است و ۴ ناحیه و ۲۱ محله دارد. جمعیت این منطقه 228.814 نفر و تراکم جمعیتی آن ۵۴ نفر در هکتار است. مساحت منطقه ۳ که در قسمت‌های غربی و جنوب محدوده شهر قرار دارد، $3912/23$ هکتار است و این منطقه ۲ ناحیه و ۱۰ محله دارد. جمعیت آن نیز 120.842 نفر و تراکم جمعیتی‌اش ۳۱ نفر در هکتار است (نقشه ۱).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی محله‌های سطح شهر یزد
منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

یافته‌های پژوهش

بررسی اصل سلسله‌مراتب فضایی و محرمیت در ساختمان‌ها در بافت قدیم و جدید در کوچه‌های بافت قدیم یزد، نمای یکسان خانه‌ها بسیار چشمگیر است. سلسله‌مراتب دسترسی‌ها (خیابان اصلی، گذر محلی، گذر فرعی و کوچه بن‌بست) نیز در بافت‌های قدیم بیشتر از بافت‌های جدید است.



شکل ۲. رعایت سلسله‌مراتب دسترسی‌ها و رعایت نکردن سلسله‌مراتب فضایی در بافت قدیم و جدید



شکل ۳. سلسله‌مراتب فضایی واحدهای مسکونی در محله قدیم و جدید شهر یزد

شکل راست نشان‌دهنده رعایت سلسله‌مراتب دسترسی‌ها در محله‌های بافت قدیم و شکل چپ بیان‌کننده عدم رعایت سلسله‌مراتب فضایی در محله‌های جدید شهر یزد است. علاوه بر اصل سلسله‌مراتب فضایی، محرمیت نیز از اصول مورد توجه در الگوهای مسکونی شهرهای اسلامی است. در مکتب معماری یزد، حرمت و حجاب یک اصل تلقی می‌شود، حریم خانواده احترام ویژه‌ای دارد، خانه‌ها با حجاب‌اند و قلمرو خصوصی آن‌ها از تجاوز سمعی و بصری دور است. در هیچ‌یک از خانه‌های اصیل یزد، نامحرمان نمی‌توانند درون خانه را مشاهده کنند. هشتی، کریاس، دالان و دیوارهای بلند، نحوه آرایش و سازمان‌دهی فضاهای گوناگون سرتاسر حیاط به گونه‌ای است که مفهوم حجاب را به کامل‌ترین وجه نشان می‌دهد؛ به نحوی که ساکنان خانه دور از چشم اغیار در آرامش، آسایش، امنیت و ایمنی زندگی می‌کنند؛ برای مثال بیشتر واحدهای مسکونی محله فهادان، سه فضای عمده خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی دارند که نشان‌دهنده رعایت اصل محرمیت و اشرافیت در آن‌هاست، اما در محله صفائیه، فضای نیمه‌خصوصی از بین رفته و ساکنان یک‌باره با فضای عمومی و خصوصی روبه‌رو می‌شوند (شکل ۳).

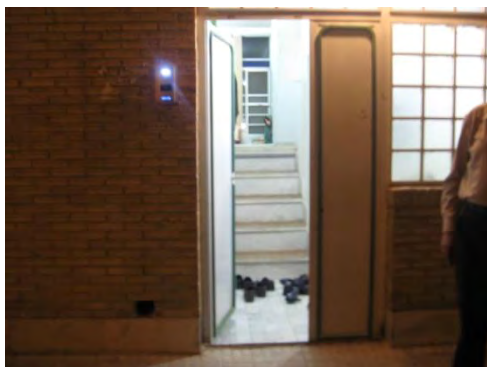
در بیشتر خانه‌های بافت قدیم یزد، ورودی، طراحی درها، هشتی‌ها، کریا و دالان ورودی دو حیاط اصلی بیان‌کننده اصل محرمیت هستند (شکل ۴).



شکل ۴. نمایی از واحدهای مسکونی دارای حیاط، هشتی و... در محله بافت قدیم شهر یزد

«عقب‌نشینی ورودی از گذر از بعد دینی، نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است و قرارگیری دو سکو در طرفین ورودی، از نظر ارزش‌ها و هنجارهای ملی، نمود ارزش‌گذاری به برقراری ارتباط با همسایگان و توجه به حقوق شهروندی جهت ایجاد محل‌های استراحت در مسیر حرکتی و درنهایت به لحاظ بعد اعتقادی ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز مهمان و تازه‌واردان مدنظر بوده است» (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸).

عنصر مهم دیگر، در هشتی یا در خانه است که در طراحی آن به‌عنوان پیش‌فضای ورودی، تمهیداتی اندیشیده شده است؛ برای مثال از بعد دینی (اصل حریمت) با بازشدن در منزل، امکان مشاهده مستقیم فضای خصوصی وجود ندارد. در بین هشتی، کریاس یا دالان که به‌سوی بیرون است، دری محکم محسوب می‌شود که فضای حریمت و امنیت خانواده را نشان می‌دهد. در خانه عرب‌ها واقع در محله‌های بافت قدیم، دالان ورودی دو حیاط اصلی از حیاط بزرگ در میان و فضاهایی در چهار جبهه آن در یک لایه تشکیل شده‌اند. حیاط کوچکی در جنوب شرقی حیاط اصلی قرار دارد که تنها از دو جانب شمال‌شرقی و جنوب‌شرقی با فضاهایی محصور شده است. دو جبهه دیگر نیز آن را با دیوار محدود کرده‌اند. این دو حیاط به‌رغم ارتباط بسیار، ورودی یا ورودی‌های مجزا دارند که اعتقاد به حریمت و عدم مشاهده مستقیم از ورودی به فضای خصوصی را بیان می‌کند (شکل ۵ و ۶).



شکل ۶. ورودی خانه‌ها در محله بافت جدید



شکل ۵. عقب‌نشینی ورودی از گذر و سکوه‌های آن در محله بافت قدیم

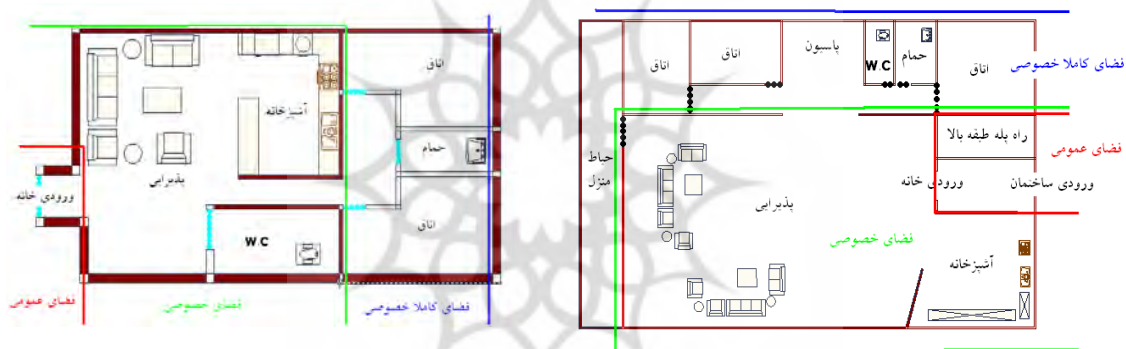


شکل ۷. طراحی درهای خانه‌های محله بافت قدیم

نکته مهم در طراحی درهای خانه‌های سنتی، مشخص شدن جنسیت افراد به‌وسیله دو کوبه با صداهای متفاوت بم (مردانه به نام کوبه؛ کلون سمت چپ در) و زیر (زنانه به نام حلقه؛ کلون سمت راست در) است که بر اهمیت محرمیت از بعد دینی تأکید می‌کند (شکل ۷).

«حدود و حرایم در شهرهای تاریخی، هم برای عناصر و هم برای فضاهای شهری، هم برای هریک (هر گروه از) شهروندان و هم برای کل شهر به‌وضوح و به‌روشنی وجود داشت. حدود و حرایم نه‌تنها وجود داشتند که رعایت آن‌ها نیز علاوه بر آنکه از طریق سازمان فضایی تعریف‌شده و سلسله‌مراتب موجود به ناظر القا می‌شد، شهروندان هم به‌تبع سیطره ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، خویش را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانستند. بارزترین جرائم، مخصوص واحدهای مسکونی و فضاهای باز آن‌ها بود. مکان‌گیری فضاهای مختلف یک خانه نسبت به خانه‌های مجاور و نسبت به فضاهای عمومی، چه از نظر ارتفاع، چه از نظر فاصله، چه از نظر ارتباط بصری و حتی از نظر بویایی و شنوایی، به‌گونه‌ای بود که کمترین امکان ارتباط بین درون و بیرون وجود داشت. به این ترتیب، نه‌تنها احساس امنیت به ساکنین القا می‌شد که دیگران نیز از امکان بروز گناه یا خطا یا تجاوز به حقوق فردی دیگران مصون نگه داشته می‌شدند. پس از آن بن‌بست‌ها و کوی‌ها و حتی محله‌ها بودند که با حدود تعریف‌شده‌شان امکان تجاوز نامناسب و ناخواسته به حریم خویش را تقلیل می‌دادند. این حدود و حرایم در بسیاری یا قریب به اتفاق موارد از طریق در و دروازه و امثال آن نبود و از طریق عناصر شناخته‌شده‌ای همچون پله، ساباط، چهارطاقی، یک گردش، تغییر مصالح و از این قبیل عناصر کالبدی به ناظر القا و معرفی می‌شدند»

(نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۶). شاید بتوان گفت بیشتر ساختمان‌ها در بافت‌های قدیم شامل اصول سلسله‌مراتب فضایی هستند؛ زیرا اغلب آن‌ها ارتفاعی مشخص دارند. فضای حریمت نیز با هشتی‌ها، دالان‌ها، حیاط‌های مرکزی و... کاملاً رعایت شده است، اما در محله جدید شهر یزد، به‌عنوان محله‌های نوساز که در مسیر توسعه‌های شهری قرار گرفته‌اند، متأثر از معماری‌های مدرن، مواردی مانند رعایت ارتفاع ساختمان‌ها، توجه به فضاهای حریمت و رعایت سلسله‌مراتب چندان مدنظر قرار نگرفته است. در بیشتر معابر این محله‌ها خانه‌های چندطبقه در کنار خانه‌های یک طبقه قرار گرفته‌اند؛ به طوری که اگر از پنجره به بیرون نگاه کنید، همه حیاط‌های همسایه‌ها قابل مشاهده است. همچنین اگر از پنجره‌های نورگیر راه‌پله‌های آپارتمان‌ها به بیرون بنگرید، علاوه بر حیاط خانه همسایه‌ها، فضای درون اتاق‌ها را نیز می‌توان دید که در این صورت اهل خانه حریم امنی ندارند. در فضای درونی خانه‌ها فضاهایی مانند لایه‌های اجتماعی مردان و زنان و لایه نیمه‌خصوصی وجود ندارد؛ از این رو در چنین فضاهایی حریمت بصری مشاهده نمی‌شود. در فضاهای آپارتمانی محله‌های جدید، علاوه بر نبود حریمت بصری، فضاهای اجتماعی مردان و زنان و فضاهای کاملاً خصوصی، متراژ اندک خانه‌ها و نازک بودن دیوارهای مشترک همسایه‌ها نیز حریمت سمعی را از بین برده است (شکل ۸).



شکل ۸. سلسله‌مراتب فضایی در واحدهای ویلایی و آپارتمانی محله‌های جدید شهر یزد

حذف دیوارهای آشپزخانه، قابل‌رؤیت بودن اتاق‌ها، از بین رفتن اندرونی و بیرونی، افزایش پنجره‌ها و گشودگی به فضاهای بیرون از تغییراتی است که در آپارتمان‌ها به‌وجود آمده است. در حال حاضر، در بیشتر فضاهای نشیمن‌گاهی آپارتمان‌ها، تفکیکی برای فضای مهمان و اهالی خانه صورت نگرفته است؛ زیرا فضای اندرونی و بیرونی بافت قدیم را ندارد و تمام فضاها عمومی شده‌اند. همچنین به‌دلیل نوع طراحی آپارتمان‌ها، همه حاضران در خانه، اعم از مهمانان و اهالی خانه، در یک فضا جمع می‌شوند؛ از این رو حریم‌ها کم‌رنگ می‌شود و حجب و حیا از بین می‌رود.

بررسی دیدگاه شهروندان درباره فضاهای حریمت خانه‌ها در بافت‌های جدید و قدیم

اختصاص بخشی از فضای حیاط به پارکینگ، الگوبرداری از ساختمان‌سازی غربی، اولویت‌داشتن بحث اقتصادی به امنیت روانی، توجه به زیبایی ساختمان‌ها با تأکید بر پنجره‌های بزرگ و ساخت‌وسازهای بلندمرتبه و بدون ضابطه از مواردی است که سبب شده است فضای حریمت در ساخت‌وسازهای جدید رعایت نشود. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان حریمت در محله‌های جدید شهر یزد براساس مؤلفه‌های سلسله‌مراتب فضایی، ۱۸/۳ درصد و در محله‌های قدیم ۹۸/۸ درصد است. مطابق یافته‌های میدانی تأثیر مؤلفه‌های مختلف در میزان رعایت حریمت در فضاهای ساختمانی جدید و قدیم

شهر یزد نشان می‌دهد در واحدهای ساختمانی جدید به دلیل بی‌توجهی به روح دینی و مذهبی در آن‌ها، فردی‌شدن خانه و الگوبرداری از ساختمان‌سازی غربی نه تنها سلسله‌مراتب فضایی و حریمیت از بین رفته، بلکه ناهنجاری‌های رفتاری خانواده‌ها در ارتباط با روابط همسایگی مطرح شده است. (جدول ۱)

شاید بتوان گفت شکاف گسترده‌ای میان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حریمیت خانه‌ها در محله‌های قدیم و جدید شهر یزد مشاهده می‌شود. بهبود این مؤلفه‌ها، با رعایت حریمیت ساختمان‌ها به یکدیگر به‌ویژه در محله‌های جدید شهر رابطه‌ای مستقیم دارد. در این پژوهش، نتایج حاصل از ضریب رگرسیون نشان‌دهنده هم‌بستگی مستقیم و قوی میان مؤلفه‌های تلفیقی و رعایت حریمیت ساختمان‌ها به‌ویژه در محله‌های جدید است. مؤلفه‌های تلفیقی وارد شده بر مدل، ۹۹/۱ درصد از تغییرات رعایت حریمیت ساختمان‌ها به یکدیگر را در محله‌های جدید شهر یزد تبیین می‌کنند (جدول ۲).

در جدول ۳، معناداربودن رگرسیون رابطه متغیرها با سطح معناداری (Sig: ۰/۰۰۰) که معناداربودن آن را در ۹۹ درصد نشان می‌دهد تأیید می‌شود.

جدول ۱. درصد هریک از مؤلفه‌ها در رعایت نکردن فضای حریمیت خانه‌ها در بافت قدیم و جدید شهر یزد

مؤلفه‌ها	محله‌های جدید	محله‌های قدیم
حذف اندرونی و بیرونی	۸۵/۶	۱۳/۳
افزایش گشودگی به بیرون	۹۱/۴	۱۰/۲
توجه به روح دینی و مذهبی	۳۱/۳	۹۴/۶
زندگی آپارتمانی و فردی‌شدن خانه	۸۹/۷	۱۵/۸
رعایت نکردن ۶۰ درصد زیرساخت و ۴۰ درصد حیاط	۷۳/۶	۹/۷
اختصاص حیاط به فضای پارکینگ و انباری	۶۹/۲	۱۱/۵
الگوبرداری از ساختمان‌سازی غربی	۸/۸/۴	۱۲/۱
اولویت‌داشتن بحث اقتصادی به امنیت روانی	۸۷/۳	۱۵/۲
توجه به زیبایی ساختمان‌ها	۹۳/۱	۱۴/۸
ساخت‌وساز بدون ضابطه خانه‌های بلندمرتبه	۸۶/۳	۱۰/۷
روابط همسایگی	۹۱/۶	۱۲/۳

منبع: نگارندگان

جدول ۲. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره رعایت آشرافیت ساختمان‌ها به یکدیگر

اشتباه معیار	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب هم‌بستگی چندگانه
۱/۰۰۳	۰/۹۹۱	۰/۹۶۱	۰/۹۰۲

منبع: نگارندگان

جدول ۳. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه میزان حریمیت خانه‌ها در بافت‌های قدیم و جدید

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۱۵۳۱/۱۴۲	۴	۱۵۳۱/۱۴۲		
باقیمانده	۱۹۲۰۳	۱۲	۳/۳۷۹	۱۲۶۷/۱۰۱	۰/۰۰۰
کل	۱۵۵۰/۱۴۲	۱۶	-		

منبع: نگارندگان

برنامه‌ریزی برای ساخت واحدهای مسکونی به کمک مؤلفه‌های حریمت

عمده‌ترین تأثیر اعتقادات دینی درون‌گرایی و توجه به حریمت است. در احادیث و آیات گوناگون دربارهٔ مسکن مسلمانان توصیه شده است که در ادامه تعدادی از آن‌ها بیان می‌شود:

«وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (سورهٔ نحل، آیه ۸۰): خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد. در این آیه تصریح شده که خانه برای نوع بشر به منزلهٔ مسکن است و باید طوری طراحی شود که برای صاحبان آن آرامش و احساس رضایت به ارمغان بیاورد. براین اساس در دوران قاجار و با توجه به جنبه‌های اعتقادی، فضاها با حریمت کافی همراه بود و بدین صورت آرامش لازم برای فعالیت و آسایش افراد خانه ایجاد می‌شد. در این خانه‌ها، میانگین دالان ۷/۵ متر بود که با بستن منظر دید به فضاهای درونی سبب پدیدارشدن این ارزش می‌شد. باید توجه داشت که تأثیر رویکردهای دینی و اعتقادی در فضاهای ورودی، دالان، حیاط و هشتی بیش از سایر فضاهاست.

یکی از کارکردهای مهم بناهای سنتی ایجاد فضایی امن و محدوده‌ای بود که حریم خانواده به‌شمار می‌رفت و از دیدرس افراد نامحرم و غریبه دور بود. از منظر دین اسلام، خانواده به‌مثابهٔ یکی از عناصر بنیادین در حفظ اصول دینی بسیار محترم است؛ از این‌رو، حفظ حرمت این نهاد اهمیت بسیاری دارد. علاوه‌براین، حفظ حریمت نیز از اصول مؤکد است. مسکن به‌دلیل ارتباط مستقیم با زندگی کاملاً خصوصی و خانوادگی مردم، اهمیت زیادی در معماری اسلامی دارد. براین اساس خانهٔ مسلمان باید حافظ حریم خانوادهٔ او باشد و مطابق با شئون دین اسلام بنا شود.

فضاهایی مانند هشتی و دالان از نمونه‌های شاخص فضای مصنوع برای ایجاد حریمت در خانه هستند که ارتباط بصری با حیاط و فضاهای بنا را از بیرون قطع می‌کنند. در مسکن سنتی، مکان فعالیت‌های مربوط به روابط بیرون مرد خانواده یا فضای فعالیت‌های خانوادگی تفکیک شده است. در فعالیت‌های مربوط به خانواده هیچ فضایی به فعالیت خاص اختصاص نمی‌یابد و این فضاها کاربردهای متعددی در ساعات مختلف روز دارند. در این میان، تنها فضاهای خدماتی مانند آشپزخانه، مستراح، حمام، پستو یا انبار فضایی مشخص دارند.

به‌دنبال تغییرات مسکن بسیاری از رویکردها مانند درون‌گرایی و حریمت از بین رفته است. برخلاف اینکه در مسکن سنتی رویه‌های فرهنگی و اعتقادی مانند درون‌گرایی و حریمت با بسیاری از رویه‌های دیگر مانند اقلیم هم‌خوانی داشته است. در ادامه کاهش ارزش فضایی و رویکردها در فضای باز، نیمه‌باز و بسته تحلیل می‌شود.

دیدگاه دورهٔ قاجار براساس محصوربودن این فضای ارزشمند و نظم‌دهنده شکل گرفته بود و عمدتاً با فضاهای مصنوع زندگی، در سه یا چهار سمت محصور می‌شد. به بیان دیگر، این فضا در تملک صاحب‌خانه قرار می‌گرفت و از برون‌خانه مجزا می‌شد. فضاهای باز و حیاط نیز به‌عنوان مکمل هر فضا برای زنده‌بودن به‌شمار می‌آمد. در این زمان، بسیاری از نقش‌های کلیدی حیاط، به‌دلیل تغییر نحوهٔ تفکر و نگاه به زندگی از دست رفت. به‌تدریج محصوریت این فضای بالارزش کم‌رنگ‌تر شد و فضاها عمدتاً در یک یا دو جانب آن گسترش یافتند. تغییرات الگوهای توده و فضای باز تعاریف گوناگونی از حیاط ارائه داد. به‌طور کلی می‌توان سیر تحول حیاط را در دوره‌های گذشته، حرکت از درون‌گرایی به برون‌گرایی دانست که موجب از بین رفتن بسیاری از مفاهیم ارزشمند سکونت شده است.

فضاهای نیمه‌باز نقش ایوان در زندگی بسیار پررنگ بوده و از نظر کوران هوا اهمیت زیادی داشته است. در حال حاضر، ایوان به‌عنوان فضای میانی اتصال‌دهندهٔ دو فضای بسته و باز است؛ بنابراین از نظر شرایط آسایش حرارتی فضایی

واسط است و در زمان‌هایی از سال به‌عنوان فضای مناسب برای سکونت و نشیمن کاربرد دارد. از جمله اینکه در فصل‌های بهار و پاییز برای سکونت در بعضی از ساعات روز بهتر از حیاط و فضای مصنوع نشیمن است. در بیشتر خانه‌های متقدم، این فضا در امتداد محور اصلی ساختمان قرار دارد و بیشتر در ضلع جنوبی واقع است که سبب می‌شود از نور آفتاب جنوبی به‌شکلی بهینه استفاده شود؛ زیرا ایوان در تابستان سایه ایجاد می‌کند و در زمستان از نفوذ آفتاب جلوگیری نمی‌کند. پنجره‌ها، ارسی‌ها و بدنه‌های خانه نیز به‌کمک ایوان در مقابل عوامل جوی مانند باران محافظت می‌شوند، اما متأسفانه امروزه ایوان در بیشتر ساختمان‌های بافت جدید در محله صفائیه از فضای زندگی حذف شده است.

در بافت جدید شهر یزد، بسیاری از ارزش‌های فضاهای مصنوع خانه‌ها به تدریج از بین رفته است که دلیل آن ورود فناوری و احاطه آن بر زندگی بشر است. به‌دنبال این امر، بسیاری از فضاها از ساختار فضای مسکن حذف می‌شوند و یک باره نوعی گسست از سنت‌های قدیمی در این بناها رخ می‌دهد؛ بی‌آنکه از مزایا و ویژگی‌های بناهای گذشته استفاده شود.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت ساختار اصلی محله‌های قدیمی در شهر یزد (محله فهادان) بعد از گذشت زمان و حفظ حریم‌ها، به‌ویژه حریم عرصه‌های سکونتی و رعایت سلسله‌مراتب، دسترسی در کلیت محله بوده که به تأمین برخی از شاخصه‌های محرمیت در عرصه‌های عمومی و نیمه‌عمومی منجر شده است؛ البته ساخت‌وسازهای جدید در این محله تاحدودی هم‌خوانی در بافت قدیمی شهر را از بین برده است. براساس یافته‌های پژوهش، سلسله‌مراتب دسترسی‌ها در محله بافت قدیم شهر یزد با منتهی‌شدن به میدانگاه مرکزی و استقرار کاربری‌های مذهبی، تجاری و آموزشی رعایت شده است. همین سلسله‌مراتب در بافت جدید این شهر با ساخت‌وسازهای جدید که اغلب به شکل آپارتمان و رعایت‌نکردن فضاهای باز و حس هم‌جواری بوده است، به شکسته‌شدن محرمیت در واحدهای مسکونی و از بین رفتن هویت محله صفائیه منجر شده است.

می‌توان نتیجه گرفت میزان تحولات کالبدی در عرصه‌های خصوصی‌تر به‌دلیل جایگزین‌شدن بناهای اصیل معماری ایرانی و اسلامی گذشته با گونه‌های جدید مسکونی مانند بناهای آپارتمانی نوساز، سبب آشفتگی شاخصه‌های نظم بصری در نمای خارجی ابنیه به‌ویژه در بافت جدید شهر یزد شده است. بازشوها و ورودی‌های این بناها در راستای بازشوهای بنای مقابل قرار گرفته‌اند. ساکنان نیز به‌دلیل میل ذاتی به حفظ محرمیت خانواده خود به کوچک‌ترکردن پنجره‌ها، افزایش ارتفاع آن‌ها از کف، حصاربندی یا نصب شیشه‌های مات اقدام کرده‌اند. در چنین شرایطی، اگر بنای نوساز در یک سمت معبر و بنای نسبتاً قدیمی با ارتفاع کمتری در سوی دیگر معبر قرار بگیرد، به‌دلیل اشرافیت کامل بنای نوساز، حریم آن به‌کلی مخدوش می‌شود که این ساختار به‌وفور در بافت جدید شهر یزد مشاهده می‌شود. در بناهای مسکونی جدید نه تنها حالت درون‌گرایی کامل از دست رفته است، بلکه عرصه‌بندی فضاهای عمومی و خصوصی در داخل واحدهای مسکونی این آپارتمان‌ها به‌طور کلی تغییر کرده است یا اینکه ریزفضاها به‌کلی حذف شده‌اند (مانند دالان). همچنین این فضاها مفهوم و شکل کالبدی متفاوتی به خود گرفته‌اند (مانند هشتی و میان‌سرا) یا به‌دلیل رعایت‌نکردن روابط فضایی و اصل سلسله‌مراتب فضایی، دیگر تجلی‌گر شاخصه‌های مطلوب محرمیت نیستند. محرمیت نیز تنها به طراحی اتاق خواب فردی محدود شده و حفظ حریم زن، مرد و مهمان بسیار کم‌رنگ شده است. درنهایت، حیاط‌های بناهای امروزی در

محلّه صفائیّه در مقایسه با میان‌سراها و حیاط مرکزی‌های بناهای تاریخی در محلّه فهادان، نه‌تنها جدا از تودهٔ ساختمان عمل می‌کنند، بلکه میان چندین خانواده که خویشاوندی ندارند مشترک و در عین حال غیرقابل‌استفاده هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دورنگه‌داشتن حریم مقدس خانواده از دید غیر، بحثی است که تاریخ درون‌گرایی ایران را پس از ظهور دین مبین اسلام دگرگون کرده است. هرچند تاریخ پیدایش خانه‌های درون‌گرا در ایران به پیش از اسلام می‌رسد، در این دین با تقدس‌بخشیدن به حریم خانواده و الهی کردن آن تا اعماق تفکرات سازندگان ایرانی رسوخ کرده است؛ از این‌رو در این نوع معماری، هر فضا و کالبدی که برای سکونت انسان در نظر گرفته می‌شود به شکل‌گیری عرصه‌های امن، محرم، امن و آرام نیاز دارد. در چنین فضایی، باید تمام شرایط مادی و معنوی برای مصرف‌کنندگان به‌منظور حصول محرمیت در تمام ابعاد فراهم شود. از آنجا که مسکن بستر آرامش و آسایش برای ساکنان است، باید مقوله‌هایی مانند سلسله‌مراتب فضایی ورودی‌ها، حریم خصوصی، امنیت و... در طراحی آن مدنظر قرار بگیرد. آیات و احادیث فراوانی در این باره وجود دارد که بر رعایت حریم خصوصی، فضای محرمیت و چگونگی اخلاق و رفتار شهروندان در شهرهای اسلامی تأکید می‌کند. در این میان، یکی از مهم‌ترین ارکان طراحی و شهرسازی، رعایت حریم خصوصی است که در اصول اساسی اسلام به رسمیت شناخته می‌شود، اما در الگوی فرهنگی لیبرالیسم که در آن برای اهل خانه حریمی ایجاد نمی‌شود و دیگر خانه‌ها به آن مشرف هستند، به این اصول توجهی نشده است. با این حال، معماری اسلامی-ایرانی مانند گنجینه‌ای است که قاطبهٔ مشکلاتی را که امروزه با آن مواجهیم با مبانی نظری اسلامی رفع می‌کند و با رعایت اصولی مانند حریم، حدود و سلسله‌مراتب، آسایش را برای اهل خانه فراهم می‌آورد.

بررسی این اصول در محله‌های قدیم شهر یزد نشان می‌دهد یکسانی نمای خانه‌ها، حرمت و حجاب، عناصر طراحی شده در ساختمان‌ها مانند هشتی، کریاس، دالان و دیوارهای بلند، سه فضای عمدهٔ خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی را ایجاد کرده‌اند که نشان‌دهندهٔ رعایت اصل محرمیت هستند. از سوی دیگر، در محله‌های جدید شهر، فضای نیمه‌خصوصی از بین رفته است و ساکنان به‌صورت مستقیم با فضای عمومی ارتباط برقرار کرده‌اند که همین امر اصل محرمیت را در خانه‌ها از بین برده است، اما در محله‌های نوساز و متأثر از معماری‌های مدرن، مواردی از قبیل ارتفاع ساختمان‌ها، اشرافیت‌نداشتن خانه‌ها بر یکدیگر، توجه به فضاهای محرمیت و رعایت سلسله‌مراتب چندان مدنظر قرار نگرفته است. براساس یافته‌های پژوهش، میزان محرمیت در محله‌های جدید شهر یزد براساس مؤلفه‌های سلسله‌مراتب فضایی ۱۸/۳ درصد و در محله‌های قدیم ۹۸/۸ درصد است. یافته‌های میدانی تأثیر مؤلفه‌های مختلف در میزان رعایت محرمیت در فضاهای ساختمانی جدید و قدیم شهر یزد نشان می‌دهد واحدهای ساختمانی جدید به‌دلیل بی‌توجهی به روح دینی و مذهبی در آن‌ها، فردی‌شدن خانه و الگوبرداری از ساختمان‌سازی غربی نه‌تنها سلسله‌مراتب فضایی و محرمیت را از بین برده، بلکه از نظر اجتماعی نیز به ناهنجاری‌های رفتاری خانواده‌ها در چنین بافت‌های مرتبط با روابط همسایگی منجر شده است. نتایج حاصل از ضریب رگرسیون، نشان‌دهندهٔ هم‌بستگی مستقیم و مستحکم میان مؤلفه‌های تلفیقی (جدول ۱) و رعایت محرمیت ساختمان‌ها به یکدیگر، به‌ویژه در محله‌های جدید است. مؤلفه‌های واردشده بر مدل به میزان ۹۹/۱ درصد از تغییرات رعایت محرمیت ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر را در محله‌های جدید شهر یزد تبیین می‌کنند. در ادامه،

پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت ساخت‌وساز و طراحی واحدهای مسکونی، به‌ویژه در محله‌های نوساز و در ارتباط با احیای اصل محرمیت خانه‌ها بر یکدیگر مطرح شده است.

- حفظ فضای خلوت در خانه‌های جدید، به‌ویژه برای زنان و تأمین حریم شخصی؛
- استفاده از مصالح مناسب و ساخت قطورتر دیوارهای مشترک میان خانه‌ها، به‌ویژه در واحدهای آپارتمانی یا استفاده از فناوری‌های پیشرفته در زمینه ساخت دیوارهای ضدصدا برای ایجاد محرمیت صوتی و سمعی؛
- الگوبرداری صحیح از طراحی خانه‌های غربی با توجه به نحوه سکونت شهروندان و برون‌گرایی و درون‌گرایی آنان؛
- دقت در انتخاب پنجره‌ها و گشودی‌ها در خانه‌ها به‌منظور کمترین میزان اشرافیت، همچنین استفاده از شیشه‌های رنگی و پنجره‌های کوچک برای ایجاد محرمیت بصری و محرمیت بویایی؛
- ساخت حیاط‌های بیرونی و اندرونی در خانه‌های بافت جدید؛
- توجه به طراحی ورودی فضاهای داخلی خانه در بافت‌های جدید شهر؛ به‌گونه‌ای که ورودی خانه‌ها با ایجاد پیچ‌های متعدد میان فضاهای عمومی و خصوصی فاصله ایجاد کند؛
- توجه به منطقه‌بندی ارتفاعی در ساخت واحدهای مسکونی درون بافت‌های جدید شهر؛ به‌گونه‌ای که خانه‌ها بر همدیگر اشرافیت بصری نداشته باشند.

منابع

- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، ۱۳۷۷، *خصال شیخ صدوق*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، نشر کتابچی، تهران.
- ارجمندی، ابراهیم، ۱۳۹۱، *لیبرال معماری؛ بلای جان معماری اسلامی*، روزنامه مشرق، بخش فرهنگی، کد خبر ۱۲۰۳۹۱.
- ارژمند، محمود و سمیه خانی، ۱۳۹۱، «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال سوم، شماره ۷، صص ۲۷-۳۸.
- اسماعیلی مقدم، مهرنوش، ۱۳۹۳، *بررسی حضور نور طبیعی و محرمیت فضاهای داخلی خانه‌های درون‌گرای شهر یزد*، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- برقی، حمید و احمد تقدیسی (۱۳۸۷)، *بررسی چگونگی شکل‌گیری شهرهای اسلامی و ویژگی‌های آن*، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- بلخاری، حسن، ۱۳۸۴، «زیر سایه معنا، هویت مفهومی و معنوی شهر اسلامی»، ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۷۷، صص ۷-۷.
- بمانیان، محمدرضا، غلامی رستم، نسیم و جنت رحمت‌پناه، ۱۳۸۹، «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۶۸-۵۵.
- پوراحمد، احمد و سیروس موسوی، ۱۳۸۹، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۱۱.
- حسینی دشتی، سید مصطفی ۱۳۷۷، *معارف و معاریف*، جلد پنجم، انتشارات پاسدار اسلام، تهران.
- حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی، ۱۳۹۲، *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*، انتشارات علم نوین، یزد.
- شکرانی، رضا، ۱۳۸۷، *مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی*، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- صالحی، عاطفه و مهدی فارغی، ۱۳۸۹، *بررسی آسایش روانی و فیزیکی مؤثر در پایداری اجتماعی نواحی مسکونی*، همایش ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضاء.
- ضرابی، اصغر، غلامی بیمرغ، یونس و مسعود حاج بنده افوسی، ۱۳۸۷، *بررسی تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران*، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- عماد، سیدعلی و عباسعلی سنایی‌راد، ۱۳۸۷، *مؤلفه‌های شهر اسلامی*، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۱، «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، گاهنامه تخصصی مطالعات اجتماعی و رسانه، سال دوم، شماره ۲، صص ۹-۳۴.
- قزایی، فاطمه و مجتبی رفیعیان ۲۰۱۳، *بهبود کیفیت زندگی: تفاوت میان فرهنگی در فضای شخصی بین زنان کردی و شمالی در ایران*، مجله مطالعات رفتاری آسیا، شماره ۳۵، صص ۳۲۰-۳۱۳.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *اصول کافی*، جلد ۵ و ۶، ترجمه و تنسیق محمدباقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، قم.
- گلی زواره قمشه‌ای، غلامرضا، ۱۳۸۳، «مسکن، مکان آرامش و آسایش»، نشریه پاسدار اسلام، سال ۲۱، شماره ۲۷۵، صص ۶۱-۷۳.
- مصطفوی موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۶، *تحریر الوسیله*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ناشر دارالعلم، قم.

- منصوری، سیدامیر، ۱۳۹۲، «سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال اول، شماره ۱، صص ۴۹-۶۰.
- نقی‌زاده، محمد، ۱۳۹۱، تأملاتی در شناخت میانی مسکن اسلامی-ایرانی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰.
- نوری الطبرسی، حسین بن محمدتقی، ۱۳۶۴، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، مؤسسه آل‌البیت (ع) لایحیاء التراث، قم.
- نیری فلاح، سیامک، خلیلی، اکرم و محمد تاج‌الدین بن محمد رسدی، ۱۳۹۳، لایه‌های محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- Razalia, N., and Talib, A., 2013, *Aspects of Privacy in Muslim Malay Traditional Dwelling Interiors in Melaka*, Procedia Social and Behavioral Sciences, 105, Available online at <http://sciencedirect.com>
- Rapoport, A., 2007, *Some Further Thoughts on Culture and Environment*, Archnet IJAR, International Journal of Architectural Research, Vol. 2, No. 1, PP. 16-39.
- Altman, I., Vinsel, A., and Brown, B. B., 1981, *Dialectic Conceptions in Social Psychology: An Application and Privacy Regulation*, Advances in Experimental Social Psychology, Vol. 14, No. C, PP. 107-160.
- Gharaei, F. M. N., and Rafieian, M., 2013, *Investigate Cross Cultural Differences in Personal Space: Kurdish and Northern Women in Iran*, Journal of Asian Behavioral Studies, Vol. 3, No. 8, PP. 150-173.
- Arjmandi, E., 2012, *Liberal Architecture, Islamic Architectural Criticism*; Asia Newspaper, Cultural Section, Code 120391. (In Persian)
- Balkhari, H., 2005, *Under the Shadow of Meaning, The Conceptual and Spiritual Identity of the Islamic City*, Attached to the Newspaper Hamshahri, Vol. 8, No. 77, PP. 18-36. (In Persian)
- Barghi, H., and Taghdisi, A., 2008, *a Study on the Formation of Islamic Cities and Its Features*, the First Islamic Ideal Conference, Isfahan University. (In Persian)
- Bemanian, M. R., Nasim Gholami, R., and Rahmat Panah, J., 2010, *Identity Elements in the Traditional Iranian House of Architecture "A Case Study of the House of Rasoolian Yazd"*, Islamic Art Studies Quarterly journal, Vol. 14, No. 13, PP. 55-68. (In Persian)
- Ebrahimi, G.R., Soltanzadeh H., and Karamati, Gh. 2017, A Reflection of Western Culture in the Evolution of Lifestyle and Architecture of Late Qajar Houses in Hamadan, Bagh E Noze Journal, Vol. 14, No. 47, PP. 28-43. (In Persian)
- Emad, A., and Sanaie Rad, A. a., 2008, *Components of Islamic city*, The first conference of Islamic ideal, Isfahan University. (In Persian)
- Arjmand, M., and Khani, S., 2012, *The Role of Privacy in the Architecture of the Iranian House*, Quarterly Journal of Iranian Islamic Studies, Vol. 5, No. 7, PP. 28-37. (In Persian)
- Fazel Ghaneh, H., 2012, *An Introduction to Islamic Lifestyle*, Special Periodicals on Social Studies and Media, Vol. 2, No. 2, PP. 9-34 (In Persian)
- Gharaei, F. M. N., and Rafieian, M., 2013, *Investigate Cross-Cultural Differences in Personal Space: Kurdish and Northern Women in Iran*, Journal of Asian Behavioral Studies, Vol. 3, No. 8, PP. 313-320. (In Persian)
- Goli Zavareh Ghomshei, Gh. R., 2004, *Housing, Relaxation and Comfort*, Pasdaran Islamic Edition, Vol. 21, No. 275, PP. 61-73. (In Persian)

- Heidari, A. A., Ghassemian Asl, E., and Kayani, M., 2017, *Spatial Analysis of Traditional Iranian Houses Using Synthesis Method Case Study Comparison of Houses of Yazd, Kashan and Isfahan*, Iranian Journal of Iranian Cities, vol. 7, No. 28. (In Persian)
- Hekmatnia, H., and Mousavi, M., 2013, *Application of Model in Geography with Emphasis on Urban and Regional Planning*, New Science Publishing, Yazd. (In Persian)
- Ismaili Moghadam, M., 2014, *Investigating the Presence of Natural Light and Privacy of the Interior Spaces of the Inner Home Houses of Yazd*, The International Congress of Religious Culture and Religion, The Center for Cultural Engineering of the General Culture Council of Bushehr Province. (In Persian)
- Koleyni, A. J. M., 1987, *Kafi Principles*, Vol. 5 and 6, Translation Mohammad Bagher Kamarei 1996, Oswah Publications, Qom. (In Persian)
- Kumarahi, M. B., 1998, *Khasal Sheikh Sadugh*, Written by Baboudi Qomi, Abu Jafar Mohammad ebn Ali ebn Husayn ebn, Book Publishing, Tehran. (In Persian)
- Mansouri, A., 2013, *Space Organization in Islamic City of Iran*, East Asian Arts and Civilization Quarterly, Vol. 1, No. 1, PP. 49-60. (In Persian)
- Mousavi Hamedani, M. B., 1987, *Tahrir Al-Wassilah by Seyyed Rouhollah Mostafavi Mousavi Khomeini*, Publisher Al Alibit Institute, Qom. (In Persian)
- Naghizadeh, M., 2012, *Thoughts on Understanding the Foundations of Islamic Iranian Housing*, Moon Art, Vol. 3, No. 170, PP. 1-126. (In Persian)
- Neyri Fallah, S., Khalili, A., and Mohammad Tajeddin ebn M. S., 2014, *Confidentiality Layers in Traditional Iranian Homes*, Symbol of Religious Model in Family Life, International Congress of Culture and Religious Thought, Center for Cultural Engineering Council General Culture of Bushehr Province. (In Persian)
- Nouri Al Tabasi, H., 1985, *Mustardak al Wasael and Mastanatat al Masaleh*, Arabic Language, Publisher of the Al-Alibit Institute (AS), Fallah Al Tatar, Qom. (In Persian)
- Poor Ahmad, A., and Mousavi, S., 2010, *Social Nature of Islamic City*, Quarterly Journal of Iranian-Islamic Studies Journal, Vol. 1, No. 2, PP. 1-11. (In Persian)
- Rapoport, A., 2007, *Some Further Thoughts on Culture and Environment*, Archnet IJAR, International Journal of Architectural Research, Vol. 2, No. 1, PP. 14-45. (In Persian)
- Razalia, N. H. M., and Talib, A., 2013, *Aspects of Privacy in Muslim Malay Traditional Dwelling Interiors in Melaka*, Procedia Social and Behavioral Sciences, 105, Available Online at, <http://Scencedirect.Com>. (In Persian)
- Salehi, A., and Farghighi, M., 2010, *Investigating the Psychological and Physical Relief Effective in the Social Stability of Residential Areas*, National Contemporary Architecture and Contemporary Urbanism Conference, Islamic Azad University, Beyaza Branch. (In Persian)
- Shokrani, R., 2008, *Islamic Culture Engineering in Components and Features of Urbanism*, First Conference of Islamic Ideal University, Isfahan University. (In Persian)
- Zarabi, A., Gholami Bemorgh, Y., and Hajbandeh Afousi, M., 2008, *A Historical Study of the Physical Formation of Islamic Towns with Emphasis on Iran*, the First Islamic Ideal Conference, Isfahan University. (In Persian)